

هارتموت بوبتسین، قرآن در عصر اصلاح‌طلبی و نواندیشی: تاریخچه اولیه مطالعات عربی و اسلامی در اروپا، بیروت و اشتوتگارت: فرانتس اشتاینر، ۱۹۹۵، ۵۹۸ص، شابک: ۱۰۳-۵۱۵-۰۵۳۶۵-۴

□

در سال ۱۵۴۳ میلادی دو کتاب مهم در تاریخ علم جدید منتشر شد که دیدگاه غریبان از جهان و انسان را به گونه‌ای بنیادی تغییر داد: نخست کتاب نیکولاس کوپرنیک^۱ درباره هیئت و منظومه شمسی با عنوان گردش افلاک آسمان^۲ بود که هیئت بطلمیوسی حاکم بر ذهنیت

1. Hartmut Bobzin, *Der Koran im Zeitalter der Reformation: Studien zur Frühgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europa*. Beirut: Deutsche Morgenländische Gesellschaft; Stuttgart: Steiner, 1995 (Beiruter Texte und Studien, 42) xiv+598pp. ISBN: 03-515-05365-4.

2. Nicholas Copernicus.

نیکولاس کوپرنیک (۱۴۷۳-۱۵۴۳) منجم لهستانی. اثری که نام کوپرنیک را جاودانی ساخت، گردش افلاک آسمانی است که احتمالاً در ۱۵۳۰ اتمام یافت، ولی در ۱۵۴۳، هنگامی که وی در بستر مرگ بود، منتشر شد. کوپرنیک این کتاب را به پاپ پاولوس سوم اهدا کرده است. شرح منظومه وی معروف به منظومه کوپرنیکی که مبتنی بر مرکزیت خورشید و گردش سیارات به دور آن است، منظومه قدیمی بطلمیوسی را ابطال کرد (دائرةالمعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۲۹۲).

3. *De revolutionibus orbium caelestium*.

غریبان را به کلی درهم ریخت. دومین کتاب اثر اندریاس وِسالیوس^۱ راجع به آناتومی و تشریح انسان با عنوان ساختمان بدن انسان^۲ بود که سبب تأسیس دانش تشریح عملی گردید. در همین سال که اروپاییان خود را برای تحولات فکری و علمی در شناخت انسان و جهان آماده می‌کردند، کتب مهم دیگری در زمینه پژوهش‌های دینی اروپایی در راه شناخت اسلام منتشر شد که از آن جمله می‌توان به ترجمه کامل لاتینی قرآن (چاپ‌شده در شهر بازل) و تلخیصی از متن قرآن (چاپ نورنبرگ) اشاره کرد.

هرچند نخستین تلاش‌های مسیحیان اروپا در ترجمه لاتینی قرآن کریم در قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی به نتیجه رسید و مجموعه‌هایی در شناخت پیامبر، قرآن و اسلام همراه با ردیه‌هایی لاتینی از سوی کشیش‌های مسیحی فراهم آمد، اما این آثار تا پایان قرون وسطا انتشار عمومی نیافت. بنابراین می‌توان نیمه قرن شانزدهم میلادی را زمان عرضه و معرفی عمومی قرآن و اسلام در اروپا دانست و این درست زمانی است که اروپاییان با ورود به دوره رنسانس، تجربه اصلاحات فکری و دینی را آغاز کرده بودند.

کتاب حاضر یعنی قرآن در عصر اصلاح‌طلبی و نواندیشی، نوشته هارتموت بوبتسین، قصه ورود و حضور قرآن در عصر اصلاحات اروپا را بازگو می‌کند، اما در پی جوئی ماجرا از قرن شانزدهم و هفدهم فراتر نمی‌رود. هارتموت بوبتسین، استاد مطالعات عربی و اسلامی در دانشگاه اِرلانگن^۳ (آلمان) است که سردبیری مجله مطالعات عربی^۴ را در همین دانشگاه بر عهده دارد.

کتاب در اصل به بررسی تلاش‌های چهار تن از مشاهیر غرب برای شناخت، ترجمه و

1. Andreas Vesalius.

اندریاس وِسالیوس (۱۵۱۴-۱۵۶۴) کالبدشناس فنلاندی، از پیشروان علم تشریح در اروپا، اکتشافات فراوانی در کالبدشناسی کرد و به عنوان استاد کالبدشناسی (۱۵۳۷-۱۵۴۶) دانشگاه پادوا شهرت فراوان یافت. اثر مهمش، ساختمان بدن انسان (۱۵۴۳) بسیاری از تعلیمات قدیمی جالینوس را باطل کرد و طوفانی از انتقاد علیه وی به راه انداخت. وِسالیوس پادوا را ترک گفت و پزشک مخصوص شارل پنجم (شارل کن) و پسرش فیلیپ دوم شد. در ۱۵۶۴ به زیارت بیت المقدس رفت و هنگام بازگشت در یونان درگذشت (دائرةالمعارف فارسی، ج ۳، ص ۳۱۶۵).

2. *De fabrica humani corporis*.

3. University of Erlangen.

4. *Zeitschrift für Arabische Linguistik*.

انتشار قرآن کریم در قرن شانزدهم میلادی اختصاص دارد. این چهار تن عبارتند از: مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶)، تئودور بیبلیاندر (۱۵۰۴-۱۵۶۴)، یوهان آلبرشت ویدمانشتتر (۱۵۰۶-۱۵۵۷) و گیوم پوستل (۱۵۱۰-۱۵۸۱). علاقه و روابط این چهار تن با کتاب آسمانی مسلمانان، درست همزمان بود با توسعه نفوذ و قدرت عثمانی در اروپای شرقی و نیز مجادلات مذهبی میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها. کتاب قرآن در عصر اصلاح‌طلبی و نواندیشی در مقدمه و چهار فصل خود می‌کوشد تلاش هر یک از این چهار تن، و نیز حوادث پشت صحنه فعالیت قرآنی هر یک از آنان را با دقت در تمام اسناد و مدارک موجود ارائه کند. کتاب حاوی یکصد صفحه ضمیمه و فهرست بلندی از منابع چاپی و مخطوط است. همچنین چکیده‌ای کوتاه از محتوای کتاب به عربی و انگلیسی در پایان آمده است.

مقدمه کوتاه کتاب (ص ۱-۱۲) تصویری اجمالی از روابط میان مباحث کوپرنیک و سالیوس از یک سو و فعالیت‌های قرآنی اروپاییان در قرن شانزدهم را از سوی دیگر به دست می‌دهد. در این مرور کوتاه، افراد مختلفی که در این عرصه نقش‌های مهم ایفا کرده‌اند معرفی می‌شوند. یکی از این شخصیت‌ها یوهانس آپورینوس^۱، صاحب معروف‌ترین انتشاراتی در شهر بازل است که هم کتاب و سالیوس درباره علم تشریح را منتشر کرد و هم ترجمه لاتینی قرآن را همراه با چند رساله دینی و تاریخی درباره اسلام و ترک‌ها به چاپ رسانید. چاپ ترجمه لاتینی قرآن از سوی آپورینوس مشکلات فراوانی برای او به همراه داشت، اما این مشکلات به سرپنجه مارتین لوتر، مصلح معروف دینی، سرانجام گشوده شد؛ چراکه او به شورای شهر بازل نامه‌ای نوشت و رفع ممنوعیت از انتشار کتاب را به ایشان توصیه کرد. سومین فرد مهم تئودور بیبلیاندر^۲ است که مصاحب و جانشین اولریش تسوینگلی^۳ از مصلحان دینی در شهر زوریخ (سوئیس) بود. وی پس از آن‌که

1. Yohannes Oporinus.

2. Theodor Bibliander.

۳. اولریش تسوینگلی، (Zwingli) (۱۴۸۴-۱۵۳۱) مصلح پروتستان سوئسی، اومانستی دانا و کشیش بود. وی معتقد بود که دین باید مستقیماً از کتاب مقدس استخراج شود. در زوریخ ترویج آداب پروتستان را آغاز کرد، و سپس به نشر عقاید شخصی خود پرداخت. با اجرای آیین‌های مذهبی، استعمال شمایل در کلیسا، منع ازدواج کشیش‌ها، دستگاه پاپی و نیز رهبانیت بسیار مخالف بود. با این همه، وی با مارتین لوتر اختلاف نظرهایی هم داشت. مقامات کشوری زوریخ از او پشتیبانی کردند و وی در آلمان جنوبی و بسیاری از

مقدمات علمی چاپ لاتینی قرآن در شهر بازل را خود فراهم آورد، به دلیل دوستی‌اش با پورینوس، کار انتشار را به دست این ناشر معروف سپرد. فرد چهارم، همان یوهان آلبرشت ویدمانشتتر^۱ است. وی حقوقدان، دیپلمات و مستشرقی بود که وسایل چاپ کتاب کوپرنیک در شهر رُم را فراهم آورد و از سوی دیگر کتاب مختصری درباره قرآن را در نورنبرگ (آلمان) منتشر کرد. آخرین فرد هم گیوم پوستل^۲ فرانسوی، از جذاب‌ترین عالمان و صوفیان قرن

شانزدهم میلادی است. وی دوست نزدیک ویدمانشتتر بود و او را در چاپ و انتشار نخستین نسخه انجیل به زبان سریانی یاری کرد. همچنین با پورینوس رابطه نزدیکی داشت و توسط او بسیاری از کتاب‌های خود درباره تصوف، یهودیت و مسیحیت را به چاپ رسانید؛ و از سوی دیگر با بیلیاندر دوستی محکمی داشت و این دو درباره "صلح و آشتی میان ادیان" اعتقادات مشترکی را ابراز می‌کردند.

فصل نخست کتاب (ص ۱۳-۱۵۷) «مارتین لوتر و قرآن» نام دارد و مؤلف در آن، کارهای مارتین لوتر را جمع به قرآن را معرفی می‌کند. لوتر خود ابتدا در سال ۱۵۳۰ قصد داشت قرآن را نه از متن عربی، بلکه بر پایه ترجمه‌ای لاتینی به زبان آلمانی برگرداند، اما در این کار موفق نشد. معلومات قرآنی لوتر تماماً برگرفته از متون درجه دوم و نوشته‌های جدلی مسیحیان قرون وسطا به زبان لاتینی بود. برخی از این متون عبارتند از: علیه مذهب ساراسن‌ها^۳ نوشته دومینیک ریکالدو دمونته کروچه (درگذشته ۱۳۲۰ میلادی)؛ نقد قرآن^۴ نوشته نیکولاس

نواحی سوئیس از رهبران پروتستان‌ها گردید. سرانجام تسوینگلی در نبرد کاپل به قتل رسید و نیروهای وی در جنگ بین کانتون‌های کاتولیک و پروتستان‌های سوئیس مغلوب شدند. اگرچه تعلیمات او در مقابل مذهب کالونی باقی نماند، الهیات کالونی تا حدی بر زمینه کارهای وی استوار گردید (دائرةالمعارف فارسی، ج ۱، ص ۶۴۲).

1. Johann Albrecht Widmanstetter.
2. Guillaume Postel.
3. Ricoldo da Monte Croce, *Contra Legem Saracenorum*.
4. *Cribratio Alcorani*.

کوزائی^۱ (۱۴۰۱؟-۱۴۶۴)؛ و مکتوبی از یک اسیر گمنام که مدت‌ها در اسارت ترکان عثمانی بوده است با عنوان رساله‌ای در آداب و رسوم ترک‌ها (مسلمانان)^۲ (نوشته شده در ۱۴۰۸ میلادی). سرانجام در سال ۱۵۴۲، لوتر به ترجمه‌ای لاتینی از قرآن دست یافت که به دستور پیتر محترم^۳ (یا پی‌یر ونرابلس)، رئیس دیر کلونی در فرانسه (متوفای ۱۱۵۶ میلادی) و به قلم روبرت کتون^۴ فراهم آمده بود. این متن لاتینی قرآن همراه با چند رساله کوتاه درباره زندگی پیامبر و ردیه‌هایی علیه اسلام در مجموعه‌ای به نام *Mجموعه طلیطله*^۵ گردآوری و در سراسر قرون وسطا به همین نام شناخته می‌شد، اما همچنان به صورت دستنویس و چاپ نشده باقی مانده بود. به جهت اهمیت و تأثیر فراوان *Mجموعه طلیطله* بر افکار و اطلاعات مسیحیان اروپا در چند سده پایانی قرون وسطا، مؤلف در صفحات ۳۷-۹۰ همین فصل از کتاب خود، به معرفی و بررسی کوشش‌های مسیحیان اروپا برای ترجمه قرآن در سده‌های ۱۲ تا ۱۵ میلادی می‌پردازد. این بخش از کتاب کامل‌ترین و مستندترین گزارش‌ها در این زمینه را ارائه می‌دهد. مؤلف در مقاله‌ای جداگانه به زبان انگلیسی، بخشی کوتاه از این مطالب خود را (تنها راجع به ترجمه‌های لاتینی) منتشر کرده است که این مقاله با حذف پاورقی‌ها و اندکی تلخیص به فارسی ترجمه شده است.^۶

لوتر همچنین در سال ۱۵۴۲ کتابی دیگر از ریکالدو دمونته کروچه با عنوان *رد بر قرآن*^۷ را از لاتینی به آلمانی ترجمه کرد و خود نیز درباره آیات قرآن در این کتاب، توضیحاتی افزود. آخرین کار لوتر آن بود که بر ترجمه لاتینی قرآنی که در سال ۱۵۴۳ به همت تئودور بیلیاندر در شهر بازل منتشر شد، مقدمه‌ای نوشت و کوشید موانع انتشار عمومی این قرآن را از میان

1. Nicholas of Cusa.

2. *Libellus de ritu et moribus Turcorum*.

3. Peter the Venerable.

4. Robert of ketton.

5. *Corpus Toletanum (Collectio Toletana)*

۶. نگاه کنید به هارتموت بابزین، «نظری اجمالی بر ترجمه‌های لاتینی قرآن مجید»، ترجمه علیرضا انوشیروانی، ترجمان وحی، سال چهارم، شماره اول، شماره پیاپی ۷، شهریور ۱۳۷۹، ص ۳۵-۴۸. مشخصات کتاب‌شناختی اصل مقاله چنین است:

Hartmut Bobzin, «Latin translations of the Koran: a short overview.» *Der Islam* 70ii (1993) pp. 193-206.

7. *Confutatio Alcorani*

بردارد. این خود موضوع فصل دوم کتاب است.

فصل دوم کتاب (ص ۱۵۸-۲۷۵) «تئودور بیبلیاندر و چاپ قرآن بازل در ۱۵۴۲/۴۳» نام دارد. بیبلیاندر (۱۵۰۴-۱۵۶۴) اهل سوئیس و از دانشمندان پروتستان، ترجمه لاتینی قرآن اثر روبرت کتونی را از درون مجموعه خطی طلیطله بیرون آورد و کوشید آن را با اصلاحاتی به چاپ برساند. بوبتسین با مروری بر حیات و تحصیلات علمی او، دانش عربی او را بسیار خوب توصیف می‌کند و معتقد است باید کار بیبلیاندر در فضای تاریخی آن زمان را

بخشی از نزاع و درگیری سیاسی میان ارکدوک فردیناند^۱ و سلیمان خان اعظم^۲ (۱۴۹۴-۱۵۶۶) بر سر مالکیت مجارستان تلقی کرد. قرآن بیبلیاندر را دوست صمیمی‌اش، یوهانس آپورینوس، در شهر بازل آلمان منتشر کرد و از آن‌جا که وی بدون کسب اجازه از اداره ممیزی این کار را انجام داده بود، اختلاف شدیدی میان او و شورای شهر بازل در گرفت. سرانجام با توصیه مارتین لوتر، شورای شهر بازل اجازه پخش ترجمه لاتینی قرآن را - به شرط عدم توزیع در بازل - صادر کرد و این آغاز انتشار عمومی ترجمه لاتینی قرآن در اروپا

۱. فردیناند اول (Ferdinand I) (امپراطوری مقدس روم) (۱۵۰۳-۱۵۶۴) شاه بوهم و شاه مجارستان، برادر کوچک امپراطور شارل پنجم. وی در اسپانیا در دربار پدر بزرگ خود کاتولیک بار آمد. پس از وفات لونی دوم مجارستان و بوهم (در ۱۵۲۶)، مدعی جانشینی او شد و با رقبای خود که سلطان سلیمان خان اول از آنها طرفداری می‌کرد جنگید. عاقبت فردیناند شمال غربی مجارستان و عنوان پادشاهی را برای خود حفظ کرد، ولی قرار شد به سلطان عثمانی باج بدهد. وی در بوهم از اصلاحات کاتولیکی به شدت پشتیبانی کرد، آزادی‌های محلی را عملاً برانداخت و حکومت مطلقه خاندان هابسبورگ را مستقر ساخت.

۲. سلیمان قانونی یا سلیمان خان اول (۱۴۹۴-۱۵۶۶) دهمین و بزرگ‌ترین سلطان عثمانی، پسر و جانشین سلطان سلیم اول بود که در فاصله سال‌های ۱۵۲۰-۱۵۶۶ میلادی (۹۲۶-۹۷۴ ق) حکومت کرد. وی شخصاً در ۱۳ جنگ بزرگ (۱۰ تادر اروپا و ۳ تادر آسیا) شرکت داشت و در دوره او امپراطوری عثمانی به اوج قدرت و اعتبار خود رسید. وی فتوحات پدر را در بالکان و دریای مدیترانه ادامه داد؛ بلغراد را گرفت؛ شهسواران مهمان‌نواز را از رودس بیرون راند. در سال ۱۵۲۶ سلیمان خان در موهاج مجارها را مقهور کرد. در ۱۵۲۹ وین را محاصره کرد و یانوش زاپولیا (یانوش اول مجارستان) را بر ضد فردیناند اول یاری نمود و همو را در سلطنت مجارستان به رسمیت شناخت. پس از مرگ یانوش اول و جلوس یانوش دوم به جای او، مجارستان را (بجز ترانسیلوانی و منطقه‌ای که در دست فردیناند اول بود) ضمیمه امپراطوری عثمانی نمود.

بود.

اختلاف بر سر انتشار یا عدم انتشار ترجمه قرآن که امری فراتر از دروازه‌های شهر بازل بود، نکات بسیار جالبی از برخورد کلیسای مسیحی با اسلام و قرآن در آغاز دوره رنسانس را نشان می‌دهد. نسخه بیبلیاندر نیز تنها ترجمه لاتینی روبرت کتونی از قرآن نبود، بلکه علاوه بر بخش‌هایی از مجموعه طلیطله، متون احتجاجی برخی از کشیشان مسیحی علیه اسلام را هم دربر داشت. این کتاب که از این پس "قرآن بیبلیاندر" نامیده می‌شود، در محافل مسیحی و کتابخانه‌های اروپا رواج فراوانی یافت و چاپ دوم آن با تیراژی وسیع‌تر در ۱۵۵۰ میلادی منتشر شد. "قرآن بیبلیاندر" که همان ترجمه لاتینی روبرت کتونی از قرآنی کریم بود، مبنای انتشار بسیاری از ترجمه‌های قرآن به دیگر زبان‌های اروپایی شد. در ۱۵۴۷، این نسخه توسط آندره اریوابنه^۱ در شهر ونیز به زبان ایتالیایی بازگردانده شده اما مترجم آن وانمود می‌کند که آن را مستقیماً از زبان عربی ترجمه کرده است. همین ترجمه ایتالیایی قرآن را سالمون شوایگر در سال ۱۶۱۶ (چاپ دوم: ۱۶۲۳) در نورنبرگ به آلمانی ترجمه و منتشر کرد. این نخستین ترجمه آلمانی قرآن بود که بعدها با تیراژی بسیار وسیع‌تر در سال‌های ۱۶۵۹ و ۱۶۶۴، بدون ذکر نام شوایگر در نورنبرگ (آلمان) به چاپ رسید. همچنین نخستین ترجمه هلندی قرآن در سال ۱۶۴۱ بر مبنای همین ترجمه ایتالیایی صورت گرفت. بنابراین می‌توان حدس زد که ترجمه لاتینی روبرت کتونی که در فضای قرون وسطا شکل گرفته، و به‌دست بیبلیاندر در آغاز عصر اصلاحات اروپا منتشر شده بود، نزدیک به ۵۰۰ سال فهم اروپاییان از قرآن کریم را شکل داده است.

عنوان فصل سوم (ص ۲۷۷-۳۶۳) «یوهان آلبرشت ویدمانشتتر و چاپ قرآن نورنبرگ ۱۵۴۳» است. چنان‌که از نوشته مؤلف درباره زندگی ویدمانشتتر برمی‌آید، وی چهره‌ای بسیار متفاوت از مارتین لوتر و تئودور بیبلیاندر داشته است. ویدمانشتتر (۱۵۰۶-۱۵۵۷) در اولم (آلمان) به دنیا آمد و به عکس دو فرد اخیر کاتولیک بود. وی در ۱۵۳۰ در مراسم تاجگذاری شارل پنجم^۲ در بولونیا^۳ حضور داشت و هجده سال بعد از سوی وی به مقامی

1. Andrea Arrivabene.

۲. شارل پنجم معروف به شارل کن (۱۵۰۰-۱۵۵۸)، امپراطور روم و شاه اسپانیا (مدت حکومت ۱۵۱۹-۱۵۵۸)، بزرگ‌ترین امپراطور خاندان هابسبورگ، و وارث امپراطوری چنان پهناوری بود که گفته‌اند

مهم منصوب شد. ویدمانشتر در ایتالیا زبان عربی را آموخت و افزون بر همکاری با پاپ در واتیکان، از ۱۵۳۳ تا یک سال پیش از مرگش، مشاغل حقوقی و دیپلماتیک متعددی در آلمان بر عهده داشت. اهتمام و علاقه نخست وی، زبان‌های شرقی، به ویژه عربی، عبری و سریانی بود؛ اما فراگیری این زبان‌ها، هدف اصلی‌اش نبودند. به گفته مؤلف، این همه ابزارهایی کمکی بودند تا او را در تبلیغ مسیحیت و ردّیه‌نویسی‌های مسیحی یاری رسانند.

در ۱۵۴۳، یعنی همان سالی که بیبلیاندر ترجمه لاتینی قرآن را در بازل منتشر کرد، ویدمانشتر در نورنبرگ (آلمان) کتابی با عنوان شرح الهیات محمد بن عبدالله^۴ به چاپ رسانید که حاوی ترجمه لاتینی بخش‌هایی از قرآن بود. بوبتسین، مؤلف کتاب حاضر، با بررسی دقیق این ترجمه که عنوان مستقل آن، خلاصه قرآن^۵ است، مشابهت‌های فراوانی میان آن و ترجمه لاتینی روبرت کتونی به دست می‌دهد، اما معتقد است تأثیر این ترجمه به هیچ وجه قابل مقایسه با نسخه انتشار یافته از سوی بیبلیاندر نیست. بخش دیگری از این کتاب، با عنوان مستقل مذهب محمد^۶ راجع به "مسائل عبدالله بن سلام" است که هم در مجموعه طلیطله و هم در چاپ بیبلیاندر از ترجمه لاتینی قرآن آمده است. "مسائل عبدالله بن سلام" گفت و گویی است میان پیامبر اکرم (ص) و فردی یهودی به نام عبدیه، که سرانجام با اسلام آوردن وی خاتمه می‌پذیرد. در این بخش از کتاب ویدمانشتر، آرای وی راجع به یهودیت و نیز فهم وی از متن قرآنی را متفاوت با بیبلیاندر می‌یابیم.

فصل چهارم (ص ۳۶۵-۴۹۷) «گیوم پوستل و قرآن جامع او، ۱۵۴۴» نام دارد. این فصل به شرح احوال و فعالیت‌های گیوم پوستل (۱۵۱۰-۱۵۸۱)، خاورشناس فرانسوی می‌پردازد که در میان چهار فرد اخیر، تنها کسی است که به سبب دو سفر مجموعاً چهار ساله به خاورمیانه، با فرهنگ و جوامع اسلامی از نزدیک آشنایی داشته است. پوستل در تاریخ پژوهش‌های

خورشید در آن هرگز غروب نمی‌کند. وی در ۱۵۳۰ در بولونیا به دست پاپ تاج امپراطوری بر سر گذاشت و آخرین امپراطور آلمان بود که به دست پاپ تاجگذاری شد.

3. Bologna

4. *Mahometis Abdallae filii theologia dialogo explicata*

5. *Epitome Alcorani*

6. *Doctrina Mahometis*

ادبیات عرب، به سبب کتاب دستور زبان عربی اش بسیار مشهور است. وی این کتاب را اندکی پس از مراجعت از سفر نخستین‌اش از استانبول (۱۵۳۵-۱۵۳۷) نگاشت. در مدت دو سالی که وی کارمند سفارت فرانسه در استانبول بود، زبان عربی را آموخته بود، و از آن‌جا که وی زبان عربی می‌دانست و با این کتاب شهرتی یافته بود، پادشاه فرانسه وی را به سمت استادی زبان‌های شرقی در کلژ دو فرانس^۲ منصوب کرد. وی در فاصله سال‌های ۱۵۳۸-۱۵۴۲ استاد ریاضیات و زبان عربی در این کالج بود، اما از آن پس دوباره به مسافرت‌هایی علمی تحقیقی در اروپا دست زد و از سال ۱۵۴۹ تا ۱۵۵۱، به مدت دو سال به صورت شخصی به برخی از کشورهای خاورمیانه سفر کرد. وی به دلیل گرایش‌های صوفیانه و دعاوی پیغمبرمآبانه‌اش که آنها را با نام خود و گاه با اسم مستعار منتشر می‌ساخت، بارها به دادگاه تفتیش عقاید فراخوانده شد. در سال ۱۵۵۴ وی را رسماً دیوانه خواندند و به زندان افتاد. چهار سال بعد، وقتی از زندان آزاد شد، بار دیگر به نشر عقاید و دعاوی خود پرداخت. در سال ۱۵۶۳، پادشاه فرانسه وی را به دیر قدیس مارتن دشان^۳ فرستاد و او تا زمان مرگش در ۱۵۸۱ در همان‌جا ماند.

بوتسین آثار و فعالیت‌های شرق شناسانه پوستل را در دو بخش مجزا معرفی می‌کند. نخست آثاری که وی در سال‌های ۱۵۳۸-۱۵۴۰ راجع به زبان و ادبیات عرب نگاشته است. در این نوشته‌ها، پوستل تنها به زبان عربی نمی‌پردازد، بلکه سایر زبان‌های سامی همچون عبری، سامری، سریانی و حبشی و نیز زبان ارمنی - از میان زبان‌های غیرسامی - را نیز مد نظر دارد. بوتسین با بررسی منابع آشنایی و دانش عربی پوستل، معتقد است که وی با زبان عربی کلاسیک آشنایی خوبی داشته است. سپس مؤلف به معرفی تفصیلی کتاب دیگری از پوستل با عنوان درباره وحدت عالم^۴ می‌پردازد. پوستل این کتاب حجیم را که حاوی افکار فلسفی و کلامی اوست، و بنیاد آرای صوفیانه و دعاوی تبشیری وی را نشان می‌دهد، در سال ۱۵۴۴ با کمک آپورینوس در شهر بازل منتشر کرد. نیمه دوم این کتاب - برخلاف موضوع و روال اصلی کتاب - به معرفی پیامبر، سیره وی، صحابه و نهایتاً ردیه‌ای علیه قرآن می‌پردازد.

1. Guillaume Postel, *Grammatica Arabica*, Parisiis: Petrus Gromorsus, 1539/40.

2. Collège de France

3. St. Martin des Champs

4. *De orbis terrae concordia...* Basileae: J. Oporinus, 1544.

این بخش از کتاب ترجمه بسیاری از آیات قرآن را دربر دارد که مستقیماً از عربی به لاتینی ترجمه شده است. این نشان می‌دهد که پوستل در اطلاعات قرآنی خود بر ترجمه قدیمی طلیطله (اثر روبرت کتونی و چاپ شده توسط بیبلیاندر) تکیه نمی‌کرده است. بویتسین به پاره‌ای از اشتباهات و نقایص ترجمه پوستل اشاره می‌کند، اما معتقد است که عربی‌دانی پوستل و اطلاعات قرآنی وی بسیار بیشتر و بهتر از بیبلیاندر و ویدمانشتتر بوده است.

آثار پوستل چندان رواج عمومی نیافتند، زیرا وی به سبب کناره‌گیری از کلیسا، نه در میان کاتولیک‌ها جایگاهی داشت و نه از حمایت پروتستان‌ها برخوردار بود، بلکه حتی خود با این دسته اخیر مخالفت‌های جدی داشت. بر این اساس، اهمیت و شهرت او تنها در حوزه زبان و ادبیات عربی و کتاب مهم او درباره دستور زبان عربی محدود شده است، اما توجهات، علائق شخصی و فعالیت‌های وی در حوزه قرآن‌پژوهی که از اهمیت بسیار بیشتری برخوردارند، همچنان ناشناخته مانده‌اند.

کتاب قرآن در عصر اصلاح‌طلبی و نواندیشی، نوشته هارتموت بویتسین، با تلاشی بسیار و جست‌وجویی تام و همه‌جانبه در منابع و مدارک کهن اروپایی، نهایتاً به ما نشان می‌دهد که شماری از محققان اروپایی در قرون وسطا، چگونه درصدد کسب دانش و اطلاعاتی دقیق از دین اسلام و قرآن بوده‌اند تا در احتجاجات کلامی و ردیه‌های جدلی خود علیه اسلام از آنها بهره برند، اما این اطلاعات نه تنها دقیق نبوده، بلکه فرسنگ‌ها به دور از واقعیت بوده‌اند. در آغاز عصر اصلاحات اروپایی، درک و شناخت ایشان از قرآن، خاستگاه آن و محیط پیدایش وحی نبوی به‌طور کلی قرون وسطایی بوده و اساساً از مجموعه طلیطله (تدوین شده در قرن دوازدهم میلادی) ناشی می‌شده است. بویتسین البته به یک نقطه تحول اساسی در اسلام‌پژوهی در دوره اصلاحات اروپا اشاره می‌کند: ویدمانشتتر و گیوم هردو مجموعه‌ای غنی از منابع مخطوط و چاپی درباره اسلام را گردآوری کردند. این امر که در قرون وسطا سابقه نداشته و از ویژگی‌های دوره رنسانس به‌شمار می‌آید، شاید در زمان خود آن دو تأثیر قابل توجهی در بسط و تحول مطالعات اسلامی نداشته است، اما ثمرات آن در قرون بعدی نیک نمایان شد.